

بازپژوهی سلب آزادی کودکان و نوجوانان بزهکار و ارزیابی آن در نظام عدالت کیفری

سید سجاد رزاقی موسوی^۱

* نوع مقاله: پژوهشی / تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۵ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۵

چکیده

احکام سالب آزادی کودکان و نوجوانان، در قالب نگهداری در کانون اصلاح و تربیت نمود می‌یابد. همچنان که از عنوان این موسسه پیداست، نگهداری نوجوانان معارض با قانون باهدف اصلاح و درمان آن‌ها صورت می‌گیرد. از این‌رو، کاملاً همسو با اهداف اولیه و اصلی نظام عدالت جنایی کودکان و نوجوانان است. هدف اصلی اعمال ضمانت اجرا و کیفر در برخورد با جرائم کودکان و نوجوانان، اصلاح، تربیت و بازسازی آنان بوده و بیش از هر چیز، تلاش تدابیر عدالت جنایی به سمت بازپروری و آماده‌نمودن فرد در بازگشت به جامعه می‌باشد. بازپروری اطفال و نوجوانان معارض با قانون یکی از مهم‌ترین مسائل داخل در سیاست جنایی یک نظام حقوقی بوده که می‌بایست از رهگذر مقررات فراتقنینی، تقنینی و فروتقنینی، با توجه به رویکردهای آینده‌گرا، اصلاح‌گرا و تربیت‌مدار، بزه‌زدایی آن را مورد توجه قرار داده، به گونه‌ای که از یک سو طفل و نوجوان محیای بازگشت به محیط خانواده و اجتماع شود و از سوی دیگر از ورود آسیب‌های مختلف ناشی از ارتکاب بزه به آنها و اجتماع جلوگیری نمود. در مقاله حاضر با استفاده از روش کتابخانه‌ای-اسنادی و تحلیل توصیفی تلاش شد تا جلوه‌های رویکرد نظام بازپروری با هدف حمایت از کودکان و نوجوانان در نظام حقوقی ایران با تاکید بر اسناد بین‌المللی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: کودکان و نوجوانان، اصلاح، بازپروری، کانون اصلاح و تربیت.

^۱ کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی. (نویسنده مسئول)



مقدمه

کودکان و نوجوانان از این حیث که موجودات انسانی هستند، همسان با بزرگسالان از حقوق کامل بشری برخوردارند، اما از آن جهت که به دلیل ویژگی‌های روانی و عاطفی و رشدی، متفاوت با بزرگسالان هستند، شایسته حمایت‌های خاص و ویژه و افتراقی می‌باشند^۱. کودک هر چند مرتکب بزه شود، اما از آنجا که از حیث جسمانی و روانی ضعیف می‌باشد، یک بزه دیده پنهان است و از آنجا که در بزرگسال آینده جامعه خواهد بود، باید از رفتارهای خشنی که می‌تواند به کودک تحمیل گردد یا به دنبال سوءمعاشرت، او را به ورطه بزهکاری گرفتار سازد، اجتناب نمود^۲. بنابراین به دلیل فقدان یا مخدوش بودن اراده مجرمانه در اطفال و متفاوت بودن شخصیت و نیازها و احساسات و عواطف اطفال از بزرگسالان، رویکرد اصلاح و درمان و بازدارندگی از راه اعمال جایگزین کیفیت‌های تنبیه و سرکوب و ترجیح پیشگیری از جرم آینده بر اعمال کیفر نسبت به جرم فعلی، امروزه تأکید بر این است که نسبت به ارتکاب جرم از سوی اطفال، رویه ای متفاوت با آنچه در مورد بزرگسالان مرسوم است، به اجرا درآید. این رویکرد که از آن به دادرسی کیفری افتراقی یاد می‌شود، مؤلفه‌ها و اقتضائاتی دارد که مبتنی بر ارفاق، کاهش سختگیری‌ها، تسامح، رویکرد بر آینده به جای گذشته، اصلاح مداری، درمان محوری و بینش بازپرورانه است^۳. به این جهت که کودکان و نوجوانان بزه کار در مرحله رشد و پرورش قرار دارند و اتخاذ هرگونه تصمیم از سوی کنشگران عدالت کیفری می‌تواند در آینده رفتاری آنان تأثیرگذار باشد. بنابراین هدف از واکنش‌ها باید بیشتر در راستای برطرف کردن خلأهای تربیتی مربوط به آنان باشد، لذا بازپروری اطفال بزه کار و برطرف کردن خلأهای تربیتی رشد آنان، همواره بنیادی‌ترین هدف حقوق کیفری اطفال می‌باشد^۴. از زمان گذشته تا به الآن بشر در کنار اعمال مجازات بر بزهکاران، با موضوع ثمره ناشی از اعمال کیفرهای متنوع روبرو بوده و از این رهگذر نگرشهای متعددی در زمینه کارکردهای کیفر مطرح شده است. این نگرشها به طور کلی با دو رویکرد سزا گرایی و فایده گرایی یا به تعبیری آینده گرا به پاسخ دهی به مجرمان می‌نگرند. یکی از دغدغه‌های موجود در رویکرد آینده گرا این بوده که اعمال

¹ Dulacoasta L. European Criminal Policy; an Example of Internationalization of Criminal Penalties at the Regional Level. Translated by Najafi Ebrandabadi AH. In the Proceedings of the Honorable Professor Mohammad Ashouri. Tehran: Samt; 2004. [Persian]

² Tadayyon A. Comparative Pedophilic Penal Law. Tehran: Mizan; 2017. [Persian]

³ Hemmat M. The Basics and Necessities of Alternative Imprisonment on Children and Adolescents. Quarterly Journal of Private and Criminal Law 2018; 37. [Persian]

⁴ Lawrence R, Hemmens C. Juvenile Justice. Sage Publisher; 2008. [Persian]



کیفر نسبت به فرد بزهکار به چه نحو باشد تا از سویی در قبال جرم ارتكابی تادیب شده و از سوی دیگر به عنوان عضوی از جامعه با این نگرش اشتباه که عنصری نامطلوب، به واسطه ارتكاب بزه قلمداد شود، از جامعه طرد نشده و زمینه بازگشت وی به دامن خانواده و جامعه و پیشگیری از بزهکاری مجدد وی فراهم گردد (غلامی و دیگران، ۱۳۸۸: ص ۱۴۹). در مقوله بازپروری اطفال و نوجوانان بزهکار با توجه به آنکه آنها اصلی ترین سرمایه اجتماع بوده و دارای شخصیتی آسیب پذیر و وضعیت روحی و روانی حساسی می باشند و خاصه آنکه ظرفیت جنایی این گروه عموماً تکامل یافته نمی باشد و از قابلیت انطباق بسیار بالا برخوردارند، التزام بیشتری در اتخاذ رویکرد آینده گرا در اعمال کیفر نسبت به آنها برای نظام حقوقی حاکم بر جامعه به وجود خواهد آورد. یکی از شناخته شده ترین واکنش های تنبیهی در عرصه دادرسی کودکان و نوجوانان معارض با قانون، تدابیر سالب آزادی است که در قالب اعزام به مؤسسات نگهداری اطفال، نمود می یابد. مؤسسات نامبرده در نظام حقوقی ایران، با عنوان کانون اصلاح و تربیت شناخته می شوند. کانون اصلاح و تربیت مرکز نگهداری، تهذیب و تربیت اطفال و نوجوانانی است که به علت ارتكاب بزه محکوم شده اند^۱. واکنش های تنبیهی از جمله توسل به مجازات حبس، بایستی صرفاً در صورت کارساز نبودن سایر تدابیر اجرا گردد، چرا که نگاه حمایتی دستگاه قضایی از رهگذر اعمال همه جانبه و مطلق مجازات ها عملیاتی نمی گردد، لذا نگاه حمایتی دستگاه قضایی از رهگذر اعمال همه جانبه و مطلق مجازات ها عملیاتی نمی گردد^۲. هر چند همواره نگاه جرم شناسان به مجازات های سالب آزادی کودکان و نوجوانان، نگاه مثبتی نبوده و بر استفاده حداقلی از آن تأکید دارند، اما نمی توان از آثار بازپرورانه آن چشم پوشید. قطعاً آنچه در این نوشتار نیز بدان توجه می شود، اما باید توجه داشت، زمانی که در یک بستر و نظام دادرسی تخصصی و ویژه، قاضی به این نتیجه می رسد، نگهداری در کانون اصلاح و تربیت به مصلحت کودک و نوجوان است، چنین پاسخی در راستای بازپروری و جامعه پذیر نمودن اوست. به ویژه زمانی که محیط خانواده در بزهکاری کودک نقشی اساسی ایفا می کند و در واقع کودک، قربانی تربیت ناصحیح والدین خویش بوده، سپردن طفل به خانواده منطقی نیست. در چنین شرایطی، می توان کانون اصلاح و تربیت را به مثابه یک شخص حقوقی دانست که جایگزین خانواده اصلی می شود و وظیفه تربیت طفل را بر عهده می گیرد تا از بزه دیدگی مجدد او در بستر خانواده جلوگیری کند؛ بنابراین نکته اصلی در این میان، توجه به منافع عالی و مصلحت کودک

^۱ تبصره ۲ آئین نامه نحوه تفکیک و طبقه بندی زندانیان نیز بیان می دارد: «معرفی اطفال و نوجوانان زیر ۱۸ سال به زندان ممنوع بوده و چنانچه به دستور مراجع قضایی اطفال و نوجوانان زیر ۱۸ سال به زندان اعزام شوند، رؤسای زندان ها مکلفاند بلافاصله آنان را به کانون اصلاح و تربیت اعزام نمایند».

^۲ Braithwaite J. Restorative Justice. Journal of Legal Research 2006; 4. [Persian]



است که به عنوان یک عامل تعیین کننده در تمامی مراحل پاسخگویی بایستی به آن توجه داشت. کودکان و نوجوانان محروم از آزادی از جمله گروه های در معرض خطر نقض حقوق بشری در سطح جامعه بین المللی هستند که به لحاظ شرایطی که در آن به سر می برند، امکان نادیده گرفتن آن ها و تعرض به حقوق و آزادی های اساسی شان بیشتر از گروه های انسانی بوده و غالباً شرایط منصفانه ای برای احقاق حقوق آن ها وجود ندارد و به طور خاص تحت انواع و اقسام رفتارهای غیرانسانی، تحقیرآمیز و حتی گاهی شکنجه قرار می گیرند^۱. در واقع، هدف از این واکنش ها، عدم توسل به زندان یا کاهش مدت زندان می باشد، چنانکه عقیده بر آن است که حبس و مجازات سالب آزادی نمی تواند چندان کارآمد باشد و این مجازات باید به عنوان آخرین راه چاره باشد و اگر کودک با تذکر و مجازات های جایگزین مانند خدمات اجتماعی و جزای نقدی متنبه می شود، نباید از مجازات سالب آزادی استفاده شود. لذا باید نگاه متفاوتی پیرامون بزه کاری آنان اتخاذ شود که از منظر مبانی اجتماعی، اطفال به عنوان قشر آسیب پذیر جامعه می بایست مورد حمایت اجتماعی قرار گرفته و نیازها و احساساتشان لحاظ گردد که آموزه های جرم شناسی و تأکید اسناد بین المللی نیز بر این امر تأکید دارند. در عرصه بین المللی سیاست گذران جنایی با تهیه و تصویب برخی از اسناد الزام آور و ارشادی تلاش نموده اند که هم با عضویت دولت ها در معاهدات و پیمان نامه ها و هم به نحو ارشادی، دولت ها را در اتخاذ تدابیر بازپرورانه در سیاست های جنایی خود و گرایش بیشتر آنان به جنبه اصلاح گرایانه و بازسازگارانه اعمال کیفر در مقایسه با جنبه سزادهی آن هدایت نمایند. علت اصلی الزام در اتخاذ چنین دیدگاهی در خصوص اطفال و نوجوانان بزهکار این می باشد که طفل و نوجوان بزهکار فردی ناقص هنجارها و ارزش های مقبول اجتماعی می باشد که اصولاً به نحو اتفاقی مرتکب چنین عملی می شوند و پس از اعمال ضمانت اجرایی تادیبی مجدداً وارد اجتماع خواهد شد و از یک سو افراد جامعه دیدگاهی منفی به آنان خواهند داشت و از سوی دیگر به دلیل حساسیت سنی اطفال و نوجوانان و ویژگی های خاص این دوره سنی و آسیب های اجتماعی و انحرافات بر آنان بیشترین تاثیر گذاری را خواهند داشت لذا به منظور جلوگیری از ثبات آنان در فرایند بزهکاری و پیشگیری از بزهکاری آتی و طرد شدگی آنان، اتخاذ تدابیر بازپرورانه در سیاست جنایی اهمیتی دو چندان پیدا می کند. براساس یافته های جرم شناسی تعامل گرایان حضور مدت دار اطفال بزه کار و گرایش آنان به پایداری در ورطه بزه کاری پیوند وجود دارد. از این رو واگذاری اختیار پاسخ دهی به این دسته، می تواند ضمن کم مدت کردن

¹ Beigi J, Teymouri M. The Right to Education of Children Deprived of Freedom and the Challenges Facing It in Iran. Tehran: International Conference on the Rights of the Child; 2020.



حضور آنان در عرصه عدالت کیفری به ارائه یک پاسخ به منظور بازسازی نظام شخصیتی این قشر بیانجامد^۱. افزون بر این، تدابیر سالب آزادی کودکان و نوجوانان را نباید با مجازات‌های سالب آزادی مجرمین بزرگسال، همسان دانست. با این توضیح که هرچند به موجب ماده ۳ آئین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی، حبس مجرمین باهدف بازپروری آنان صورت می‌گیرد، لکن بدیهی است در هر صورت، هدف اولیه، سلب آزادی آنهاست که با رویکرد اصلاحی-درمانی سامان می‌یابد. در حالی که این موضوع در رابطه با کودکان و نوجوانان صادق نیست. بدین معنا که هدف اولیه در تدابیر سالب آزادی، تعلیم و تربیت نوجوانان و آموزش نحوه صحیح زندگی به آنان است که لازمه چنین امری نیز این است که کودک یا نوجوان، مدت‌زمانی در دسترس نظام عدالت کیفری باشد. به همین علت او را در یک موسسه نگهداری که در ایران با نام کانون اصلاح و تربیت شناخته شده تحت نظر قرار می‌دهند تا در این مدت تنها از مسیر مشخص شده، تحت تدابیر آموزشی و حمایتی قرار گیرد و از عوامل خطر پیرامون خود فاصله بگیرد. با این توضیحات، نمی‌توان چنین احکامی را یک مجازات سالب آزادی در معنای اخص دانست و با رویکردی منفی، به کلی آن را زیر سؤال برد. در مقابل می‌توان نهاد مزبور را «مدرسه بزهکاران» (نیازپور ۱۳۸۵: ۱۵۲) نام‌گذاری کرد که در جهت باز اجتماعی نمودن کودکان بزهکار اقدام می‌نماید. همچنان که سیاست‌گذاران کیفری ایران نیز، از کاربرد عنوان زندان بر این مؤسسات خودداری کرده و با برگزیدن عنوان «کانون اصلاح و تربیت» اهداف رشدمدار نظام عدالت جنایی کودکان و نوجوانان را نمایان ساخته‌اند. با توجه به فلسفه تأسیس مؤسسات مورد بحث و محتوای اسناد بین‌المللی^۲ این‌طور استنباط می‌شود که هدف اولیه در محروم نمودن کودکان از آزادی و نگهداری آنها در مؤسسات خاص کودکان، تأکید بر بازپروری کودک است نه مجازات وی. چنین هدفی نیز با اجرای برنامه‌های آموزشی و تربیتی و اقدامات حمایتی در مؤسسات مذکور به دست می‌آید. نباید از نظر دور داشت که یکی از راه‌های مؤثر در تکمیل برنامه‌های کانون اصلاح و تربیت جهت اجرای تدابیر اصلاح و بازپروری، تغییر نگرش این مرکز از رویکرد توان‌گیرانه به بازپرورانه است؛ بنابراین «شرایط حاکم بر این نهاد، باید کمترین شباهت به محیط زندان را داشته باشد؛ چراکه تربیت و آموزش کودکان و نوجوانان در فضای محدود در قالب اسارت تحقق نخواهد یافت». بر این اساس

¹ Niazpour AH. Criminal Law of Children and Adolescents. Tehran: Mizan; 2017. [Persian]

^۲ در این زمینه می‌توان به مواد ۱-۲۶ و ۲-۲۶ قواعد پکن و همچنین مواد ۳۱ تا ۵۵ قواعد سازمان ملل برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی اشاره کرد. در این مواد موضوع توجه به نیازهای جسمانی، روحی، روانی و عاطفی و همچنین برخورداری کودکان و نوجوانان از تمامی مراقبت‌ها و حمایت‌های اجتماعی و آموزشی مورد تأکید قرار گرفته است.



«طراحی بازداشتگاه‌ها برای نوجوانان و محیط مادی نیز، باید باهدف رعایت نیاز نوجوان به حریم خصوصی و شخصی، انگیزش‌های حسی، فرصت برای ارتباط با همسالان و مشارکت در عملیات ورزشی، تمرینات بدنی و فعالیت‌های اوقات فراغت همساز باشد» (عباچی ۱۳۸۸: ۱۵۸). بدیهی است تمامی این موارد گویای رویکرد رشدمدار حاکم بر پاسخ‌های سالم آزادی نظام عدالت کیفری اطفال است. به بیان دیگر، هدف اصلی و اولیه نظام دادرسی اطفال که همانا تربیت و آموزش اطفال بزهکار است، از گذر این پاسخ میسر می‌شود. ما در این نوشته می‌خواهیم بررسی کنیم که چه قواعد و مقرراتی در موقع بازپروری از اطفال در ایران و سایر اسناد بین‌المللی باید رعایت شود و نیز می‌خواهیم بررسی کنیم که آیا این قواعد در سطح بین‌الملل و حقوق ایران رعایت شده است یا خیر؟ با این توضیحات و به منظور تبیین آثار تربیتی کانون اصلاح و تربیت، تدابیر این نهاد از منظر بازپروری مورد بررسی قرار خواهد گرفت. لازم به ذکر است طیف گسترده و متنوعی از برنامه‌های حمایتی جهت بهره‌مندی مددجویان کانون اصلاح و تربیت اعمال می‌شود؛ از این رو با لحاظ ماهیت متفاوت تدابیر مورد بحث، در این نوشته سعی بر این است که علاوه بر بحث‌های کلی مطروحه، مقررات داخلی ایران در این خصوص با مقررات موجود در اسناد بین‌المللی مورد ارزیابی قرار بگیرد. در ذیل به بررسی بازپروری اطفال و نوجوانان کودکان و نوجوانان محروم از آزادی به‌عنوان یکی از موارد اقدامات تامینی-تربیتی-اصلاحی می‌پردازیم.

۱- مفهوم و ماهیت بازپروری

در ادبیات جرم‌شناسی نظر به اظهار نظرهای مختلف جرم‌شناسان، به طور کلی، بازپروری را می‌توان به معنای بازگشت به وضعیت پیشین عاری از جرم تعریف کرد. اصطلاح بازپروری^۱ به لحاظ لغوی به معنای بازتوانی^۲ یا دوباره میزان کردن^۳ است که از اصطلاح لاتین اقتباس شده است.^۴ اصطلاح بازپروری متضمن این معناست که بزهکار دارای سابقه و توانایی‌های یک شهروند مولد است و به همین دلیل قبل از هر چیز باید دوباره آموزش دیده و به‌سوی ارزش‌هایی که در یک حیات مولد و برای یک شهروند مفید ضروری است سوق داده شود. از دیدگاه برخی نویسندگان، بخشی از ابهام معنایی اصطلاح بازپروری ناظر به مشکلاتی است که در نظام عدالت جنایی وجود

¹ Rehabilitation

² Re-enabling

³ Making fit again

⁴ Craig, L.A. (2013), What works in offender rehabilitation, Wiley-Black Well, pub. USA, p4.



دارد؛ کما اینکه خود نظام عدالت جنایی نیز نیازمند بازپروری است^۱. در ادبیات جرم‌شناسی و کیفر شناختی، اصطلاح بازپروری ناظر به آماده‌سازی بزه‌کاران جهت حضور مجدد در جامعه به‌عنوان شهروندانی قانونمند و مولد است (غلامی، ۱۳۹۵: ص ۱۹۰). بازپروری اطفال و نوجوانان در اصطلاح به معنای بهسازی شخصیتی، روانی، عاطفی، اخلاقی و اجتماعی طفل و نوجوان معارض با قانون با لحاظ حساسیت‌های دوره سنی، جهت بازگشت به جامعه و زندگی عادی و پیش‌جنایی می‌باشد به گونه‌ای که به وی اجازه می‌دهد به طور فعال در جامعه وارد شود، مهارت‌های مفید و مقبول اجتماعی را فراگیرد و در عمل از این توانایی‌ها استفاده نماید. برخی دیگر بازپروری را اینگونه تعریف کرده‌اند: «یک برنامه مداوای روانی-اخلاقی با رعایت شرایط لازم برای تامین امنیت جامعه به منظور سازش‌پذیری اجتماعی بزهکار» (نجفی ابرندآبادی، هاشم بیگی، ۱۳۹۷: ص ۱۶۳). علاوه بر این، حق بر بازپروری، در راستای کرامت انسانی و رفتار توأم با احترام، به‌عنوان بخشی دیگر از حقوق انسانی و به‌ویژه حقوق بزه‌کاران است که در بند ۳ ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مورد اشاره قرار گرفته است. در کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز آمده است که: «هیچ نظام ندامتگاهی و زندانبانی نباید صرفاً سزا دهنده و کیفر‌گرا باشد، بلکه چنین نظامی باید در اصل به دنبال اصلاح و بازپروری زندانیان باشد». در این تفسیر، کمیته حقوق بشر بر ضرورت توجه به بازپروری بزه‌کاران و الزام نظام حقوقی به آن از طریق وضع قانون، تدابیر عملی، ارائه انواع آموزش‌های علمی و فنی و حرفه‌ای، تنظیم برنامه‌های کاری برای زندانیان و اتخاذ سایر اقدامات ضروری در درون و بیرون زندان تأکید می‌کند. چنین تدابیری باید نسبت به کلیه بزهکاران و از جمله بزه‌کاران مکرر و پرخطر نیز به مورد اجرا گذاشته شوند^۲. به این ترتیب هدف اصلی از بازپروری بزهکاران، پیشگیری از تکرار جرم آن‌ها و یا کاهش نرخ آن است. راهبرد بازپروری بر تغییر رفتار بزهکاران جهت عدم استمرار اعمال مجرمانه آن‌ها تکیه می‌کند. در این راستا هدف آن است که با «تشخیص» تفاوت‌های بزهکاران، مناسب‌ترین و مؤثرترین شیوه برای تغییر رفتار غیر قانونی بزهکاران اتخاذ گردد. این تشخیص با استفاده از تئوری‌های روانشناسی و دانش‌هایی که می‌توانند در تغییر و اصلاح رفتارهای غیرقانونی و مجرمانه آنان مورد استفاده قرار گیرند، صورت می‌پذیرد. بازپروری، از طریق گوناگون سلامت روانی، خدمات پزشکی، حقوقی یا اجتماعی می‌تواند به طرز خاصی به‌عنوان شکلی از ترمیم مناسب باشد، درحالی‌که به‌طور همزمان ارائه خدمات می‌کند. اشکال درمانی نیز می‌تواند به طرز مناسبی درمان یک کودک یا نوجوان را تسهیل کند و به

¹ Mc Neill, F (2012), Four of offender rehabilitation: towards an interdisciplinary prespective, legal and criminological psychology, 17,18-36.

² Van Kempen and young, P.H.P.H.MC, W. (2012) Prevention of reoffending, Intersentita, pub, p.14.



بازسازی زندگی سالم آن‌ها کمک کند. علاوه بر این، در درجه دوم، برنامه‌های اصلاحی و تربیتی که برای بازپروری بزهکاران تنظیم می‌گردد، ضرورتاً باید به‌وسیله کارکنان کارآزموده و ماهر، به همان تربیتی که برنامه‌ریزی شده‌اند، به‌مورد اجرا درآیند. اجرای برنامه‌های مذکور به‌وسیله پرسنل فاقد مهارت و کاردانی نمی‌تواند کاهش تکرار جرم را در پی داشته باشد. در اجرای برنامه‌های اصلاح و تربیت اصل سومی نیز باید رعایت شود و آن این است که برنامه‌ها کسانی را باید مورد هدف قرار دهند که در معرض تکرار جرم هستند، زیرا کاهش تکرار جرم قابل‌اندازه‌گیری و ارزیابی است. بسیاری از بزهکاران از درجه تکرار جرم اندکی برخوردارند و تأثیر برنامه‌های اصلاح و تربیت بر کاهش تکرار جرم آن‌ها به‌سختی قابل ارزیابی است. در ادامه نگارندگان بازپروری کودکان و نوجوانان را در امتداد بحث قبلی مورد بررسی و مذاقه قرار خواهد داد.

۲- بازپروری در محیط خانواده

خانواده اولین محیطی است که کودک در آن رشد و نمو می‌یابد^۱. حفظ نهاد خانواده و جلوگیری از برهم خوردن این نهاد، امری مهم در نظام حمایتی کودک است. در جدایی کودک از خانواده نیز حفظ رابطه با خواهر و برادر و سایر روابط و علائق خانوادگی در راستای مصالح عالییه وی است. این روابط باید به صورت تداوم، منظم و همراه با ملاقات‌های معقول و مناسب کودک با این افراد باشد^۲. خانواده اطفال بزه کار همیشه محیط مطلوبی برای بازپروری و بستری مناسب جهت بازگشت آنان به جامعه نیست. بزه کار بودن پدر، مادر یا سایر اعضای خانواده، گرایش آنان به اعتیاد موادمخدر و غیره و پرخاشگری‌های خانوادگی از جمله مؤلفه‌های نامطلوب بودن محیط خانواده برای اصلاح و درمان اطفال بزه کار به شمار می‌روند. کودکانی که در خانه‌هایی با نبود محبت و حمایت رشد می‌کنند، والدین آنها مهارت رفتارمدیرانه ندارند و زندگی‌شان با اختلاف و بدرفتاری است که احتمال بزه کاریشان بیشتر است، درحالی‌که یک خانواده حامی‌حتمی می‌تواند در محیط بیرونی بسیار خصمانه و آسیب‌زننده از فرزندان نگهداری کند. حفظ و نظارت از سوی والدین جنبه مدیریت خانواده است که همواره به بزه کاری وابسته است.

^۱ در اینجا باید خانواده را به صورت گسترده معنا کرد تا خانواده بیولوژیکی، خانواده از طریق فرزندخواندگی خانواده مراقب، خانواده گسترده و سایر انواع خانواده را که به موجب عرف داخلی یک کشور مورد پذیرش قرار گرفته است، دربرگیرد.

^۲ Children's Bureau, Determining the best interests of the child, Washington D.C: U.S.Department of Health and Human Services, Child Welfare Information Gateway 2016, P 3, Available at: www.childwelfare.gov.



اصلاح و تربیت^۱ دارای اهداف و الگوهایی است که بر اساس آن‌ها می‌توان نظام‌های مختلف را از یکدیگر تفکیک کرد. تأکید روزافزون بر بازپذیری^۲ بزهکاران و انطباق آنان با هنجارهای اجتماعی ویژگی مشترک و هدف بنیادین اصلاح و تربیت در دنیای جدید است^۳. در جهان امروز تفوق اندیشه اصلاح و تربیت بر فکر مجازات و سرکوبی به در مورد کودکان و نوجوانان، در تمام مقررات مربوط به اطفال و نوجوانان بزهکار به‌وضوح خودنمایی می‌کند. در همین راستا جوامع در جستجوی راهکارهایی هستند که به‌جای ارباب و تنبیه، به طرق مقتضی به اطفال مساعدت نمایند. مقررات جزایی عمدتاً حول محور بازپروری تدوین می‌گردد تا با رفع نیازها، حس محرومیت از طفل را دور و با تدابیر مقتضی از او حمایت کنند. این چنین اقداماتی نه بر اساس اهمیت جرم بلکه به‌تناسب شخصیت آن‌ها اتخاذ می‌گردد. در واقع کودکان با لحاظ شرایط فردی و شخصیتی مورد بررسی قرار می‌گیرند تا به دلیل جرائمی که مرتکب شده‌اند (غلامی، ۱۳۹۰: ص ۵۸). توجه به نیازهای خانواده و تأمین مناسب آن نیازها، افزایش آگاهی و ظرفیت والدین و مهارت‌های آنان جهت پاسخ به نیازهای فرزندان، ارتقای وضعیت اقتصادی و بهداشتی خانواده، از جمله اقدامات لازم در این خصوص است^۴. محیط خانواده نقش مؤثری در شکل‌گیری نظام رفتاری و شخصیتی کودکان و نوجوانان محروم از آزادی ایفا می‌کند^۵. در شماری از اسناد بین‌المللی مانند میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶ خانواده عنصر طبیعی و اساسی جامعه معرفی شده است. در اسناد بین‌المللی ویژه کودکان و نوجوانان، مانند پیمان‌نامه حقوق کودک ۱۹۸۹، سپردن این دسته از بزهکاران به خانواده پیش‌بینی شده تا با مراقبت‌ها و حمایت‌های این نهاد، اطفال بزهکار به سمت جامعه‌پذیری و هم‌نوا شدن با هنجارها و قواعد اجتماعی رهنمون شوند. بازپروری کودکان بزه دیده نیز در ماده ۳۹ کنوانسیون حقوق کودک مورد تأکید قرار گرفته است. در میان این اسناد، قواعد حداقل سازمان ملل متحد در زمینه عدالت کیفری اطفال و نوجوانان ۱۹۸۵ بر استفاده از این روش برای پاسخ‌دهی به برخی از اطفال بزه‌کار تأکید دارد. مطابق ماده ۲-۱۸ به کشورها توصیه شده تا آنجا که امکان دارد از ظرفیت‌های این محیط برای پاسخ‌دهی به اطفال بزه‌کار بهره گرفته شود. از این‌رو، در تفسیر این ماده در سند مذکور آمده است که در داخل خانواده، والدین نه تنها حق دارند،

¹ Corrections

² Reintegration

³ Bousat-Pinatel, 1963, Traite de droit penal ET la crimionolgy, ED-Dalloz-Paris-P-202

⁴ Miano. S. Marie, 2013, Toward a Child-Oriented Approach to Reparations: Reflecting on the Rights and Needs of Child Victims of Armed Conflict, RRAXIS the Fletcher journal of Human Security, Volume XXVIII, P.38.

⁵ Von Hirsch, A. Achworth. A. and Roberts, j. (2009), Principled sentencing, Hart publishing, USA. P.6.



بلکه موظف هستند که از کودکان خود مراقبت کنند و قاعده ۲-۱۸ تصریح می‌کند که جدایی طفل از خانواده تنها می‌تواند آخرین راه باشد (خواجه نوری، ۱۳۹۶: ص ۱۶۶). مطابق بند ۴ ماده ۶۵ قانون نمونه حفاظت کودکان مصوب سال ۲۰۱۳ که در خصوص ارتباط کودکان و نوجوانان با والدین در مدت نگهداری در کانون اصلاح و تربیت است بیان می‌دارد؛ «کودکان باید بتوانند تماس خود با والدین، اعضای خانواده و سایر نزدیکان خود را از طریق ملاقات مرتب و مکاتبه حفظ نمایند».

۳- بازپروری در کانون اصلاح و تربیت

معنا و مفهوم اصلی اصلاح^۱، بهبود وضعیت فرد است. برای نیل به این هدف، مدارس تربیتی و کانون‌های اصلاح و تربیت ایجاد شده و یکی از اهداف ضمنی آن نیز اصلاح بزهکاران است. قانون‌گذار در تعریف کانون اصلاح و تربیت چنین اظهار داشته است: «کانون اصلاح و تربیت مرکزی است جهت نگهداری، اصلاح، تربیت و تهذیب اطفال غیر بالغ بزهکار یا بزهکارانی که کمتر از ۱۸ سال تمام سن داشته باشند»^۲. اندیشه بازپروری و اصلاح مجرمان و عدم اتخاذ سیاست کیفری سرکوب‌گر صرف و توجه به شخصیت بزهکار و متناسب بودن مجازات با شخصیت بزهکار برای نخستین بار توسط بنیانگذاران مکتب تحقیقی بیان گشت و به مرور زمان و با توجه به گرایش بیشتر دولت‌ها به سیاست‌های بازپرورانه نسبت به سیاست‌های کیفری صرف و تحت تاثیر مطالعات و یافته‌های جرم‌شناسانه، برنامه‌های متنوع تربیت مدار، حرفه‌آموزی، روانشناختی و غیره از سوی سیاست‌گذاران جنایی تدوین گشته و نهادهای اصلاحی مربوطه در این زمینه به وجود آمده تا به شکل چند جانبه و همه جانبه در زمینه بازپروری عمل گردد. کانون اصلاح و تربیت یکی از تاسیسات اصلاحی و بازپرورانه نسبت به اطفال و نوجوانان بزهکار در حقوق کیفری ایران می‌باشد. سیاست‌گذاران کیفری ایران نیز از یک سو به دنبال تحولات جرم‌شناختی و از سوی دیگر با توجه به آنکه اطفال و نوجوانان عموماً از ظرفیت جنایی ضعیف و قابلیت انطباق و آموزش پذیری بالایی برخوردار می‌باشند، در برخی از قوانین نسبت به مسئله بازپروری اطفال و نوجوانان از طریق کانون اصلاح و تربیت تاکید نموده‌اند. در این راستا می‌توان به بند ۳ ماده ۸۸ و ماده ۹۰ قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ و مواد ۲۸۷ و ۵۲۵ و ۵۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ اشاره نمود که مقنن به کانون اصلاح و تربیت به عنوان نهادی بازپرورانه نسبت به اطفال و نوجوانان بزهکار توجه نموده است. همچنین مقنن در راستای تاکید بر نقش بازپرورانه کانون اصلاح و تربیت در ماده

¹ Reformation

^۲ ماده ۱۸ آئین‌نامه قانونی و مقررات اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، مصوب ۱۳۷۲



۱۳۲ قانون برنامه چهارم توسعه به بهینه سازی فضاهای فیزیکی با اولویت توسعه کانون های اصلاح و تربیت اشاره داشته است. ضرورت وجود کانون اصلاح و تربیت باعث شده است که تدوین کنندگان قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ در ماده ۵۲۵ به آن بپردازند این ماده مقرر می‌دارد: «کانون‌های اصلاح و تربیت اماکنی هستند که نگهداری و تربیت اطفال و نوجوانان موضوع این قانون توسط سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور در مراکز استان‌ها و به تناسب نیاز و ضرورت با تشخیص رئیس قوه قضائیه در سایر مناطق کشور ایجاد شده‌اند یا ایجاد می‌شوند». همچنین در ماده ۵۲۸ این قانون نیز مقرر شده است: «آیین‌نامه اجرایی مربوط به نحوه نگهداری و طبقه‌بندی محکومان و متهمان، اشتغال و حرفه‌آموزی آنان، برنامه‌ها یا بازپروری، نحوه ملاقات زندانیان، نحوه اداره کانون‌های اصلاح و تربیت و کیفیت اصلاح و تربیت اطفال و نوجوانان در آنجا، طبقه‌بندی اطفال و نوجوانان از حیث جنس، سن، نوع جرائم و امور اجرایی این کانون‌ها و نحوه اجرای مجازات حبس ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون توسط وزارت دادگستری با همکاری سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور تهیه می‌شود به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد». تغییر مناسبی که در خصوص این قرار در قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ نسبت به قانون آیین دادرسی کیفری ۷۸ ایجاد شده است، تغییر رویکرد از اجباری بودن صدور این قرار (در مواردی) به اختیاری بودن صدور آن است (نجفی توانا، ۱۳۹۸:ص ۲۲۶). سلب آزادی اطفال و نوجوانان بزهکار در محیط حقوق کیفری از سنتی‌ترین پاسخ‌های این سامانه است. بر این اساس نظام حقوق کیفری برای عده‌ای خاص و بزهکاران را سلب می‌کند چراکه این سلب آزادی از مهم‌ترین پاسخ‌های سزاگرایانه در حقوق کیفری به حساب می‌آید. در عرصه حقوق کیفری اطفال و نوجوانان، اصل بر عدم استفاده از حبس در کانون می‌باشد. با این وجود قانون‌گذار ایران برای پاسخ‌دهی به دسته‌ای از اطفال و نوجوانان مرتکب جرم این شیوه را به وجود آورده است. قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲، در تبصره ۱ و ۲ ماده ۸۸ به این مطلب پرداخته و مقرر می‌دارد: «استفاده از واکنش حبس در کانون نسبت به اطفال و نوجوانان بزهکار زیر ۱۲ سال ممنوع است؛ بنابراین، نظام عدالت کیفری با توجه به بند ۳ ماده مذکور می‌تواند در صورت ارتکاب جرم‌های تعزیری درجه یک تا پنج نسبت به محکوم ساختن اطفال و نوجوانان ۱۲ تا ۱۵ سال به سلب آزادی در کانون اصلاح و تربیت تصمیم‌گیری نماید». همچنان که مطابق تبصره ۲ همین ماده اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرم‌های حدی و یا قصاص می‌باشند می‌توانند مشمول تدابیر سالب آزادی قرار گیرند. هرگاه نابالغ مرتکب یکی از جرائم موجب حد یا قصاص گردد در صورتی که از ۱۲ تا ۱۵ سال قمری داشته باشد، به یکی از اقدامات مقرر در بندهای ت و ث محکوم می‌شود. به این‌سان، به موجب این سیاست، بهره‌گیری از تدابیر سالب آزادی نسبت به اطفال و نوجوانان معارض با قانون



زیر ۱۲ سال خواه مرتکب جرم تعزیری و خواه مرتکب جرم‌های مستوجب مجازات حدی یا قصاص، مطلقاً امکان‌پذیر نیست؛ اما در مورد اطفال و نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سال، از مجازات سالب آزادی استفاده شده است. کانون اصلاح و تربیت بایند نسبت به اجرای برنامه های ورزشی، تربیتی، اخلاقی، آموزشی، علمی و تعلیم حرفه به اطفال و وضع غذا، بهداشت و خواب آنان مراقبت به عمل آورد. همچنین انتظار می‌رود در زمینه درمان بیماری‌های جسمی و اختلالات رفتاری کودکان و نوجوانان بزه کار اقدام‌های لازم به عمل آید تا از این رهگذر زمینه‌های بهبود شرایط جسمی و روحی و روانی آنان فراهم شود، در صورتی که این کودکان و نوجوانان بزه کار مستقر در کانون از تحصیل محروم مانده امکان دسترسی به مدرسه رانداشته، برنامه های آموزشی و پرورشی در چارچوب نظام آموزش و پرورش به اجرا درمی‌آید. همچنین پس از پایان مدت اقامت فرد در کانون و آزادی وی، فعالیت‌های مقدماتی و ابتدایی با عنوان مراقبت پس از خروج مطرح می‌گردد که شامل پیگیری و نظارت مستقیم امور مددجویان و اسکان مددجویانی است که سرپناه ندارند. در این مرحله پس از آزادی فرد در صورتی که فرد به خانواده خود بازگردد با هماهنگی‌های به عمل آمده مددکار به صورت مستقیم با مددجو و خانواده وی در ارتباط خواهد بود و انجام خدمات مشاوره ای و همچنین کاریابی و به کارگیری مددجو را انجام خواهد داد و در صورت وجود مشکلات حاد در خانواده اقدامات لازم را جهت کاهش عوارض ناشی از مشکلات خانوادگی بفرود به عمل خواهد آورد. تلاش برای اصلاح افراد در کانون‌های اصلاح و تربیت معمولاً یا به تنهایی از طریق تعلیمات مذهبی- اخلاقی و یا به وسیله یک رژیم اصلاحی شامل: تمرین، کار، بهداشت، نظم و انضباط، تعلیم و تربیت و آموزش‌های اخلاقی صورت گرفته است^۱. این روش تربیتی بر محور محرومیت کودکان و نوجوانان از آزادی و نگهداری در مراکز اصلاح و تربیت استقرار می‌یابد. این رویه ریشه در تاریخ حقوق جزا داشته و بعدها نیز با وصف دگرگونی در رژیم کیفری اطفال در شکل جدیدی حفظ گردید. در اوایل جنبش حمایت از اطفال در دو قرن اخیر، اماکن ویژه در زندان‌های عمومی برای کودکان و نوجوانان در نظر گرفته شد. بعدها در اوایل قرن بیستم مؤسساتی مانند کانون اصلاح و تربیت با هدف اصلاح و بازپروری آنان به وجود آمد. هدف از نظام دادرسی نوجوانان بازپروری است. داشتن روحیه همیاری، دادن اطلاعات صحیح، انجام برنامه‌های تربیتی و تغییر نگرش نسبت به کانون اصلاح و تربیت، افزایش روحیه و اعتماد به نفس و تغییر دیدگاه خود نسبت به خود و محیط خانوادگی از جمله مواردی است که می‌تواند در کار برنامه‌های کانون باعث تغییر فردی کودک و نوجوان شود (نجفی توانا، ۱۳۹۸: ص ۲۳۵). اجرای برنامه اصلاحی و تربیتی وقتی مفید فایده است که اطفال و

^۱ نجفی ایرنآبادی، علی حسین، هاشم بیکی، حمید (۱۳۹۳)، دانشنامه جرم‌شناسی، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ سوم، ص ۲۴۴.



نوجوانان به فضای ایجاد شده در مؤسسات نگهداری اعتماد کنند. کانون اصلاح و تربیت باید با ایجاد قسمت ویژه اطفال و نوجوانان، اول به شناسایی خانواده آن‌ها بپردازد و اگر از نظر شرایط خانوادگی نامناسب تشخیص داده شدند، باید با روش‌های مختلف محیط خانوادگی را سالم نماید و در صورت عدم اصلاح اطفال و نوجوانان، به ارگان‌های مربوطه تحویل دهند. ولی اگر خانواده از نظر اصول اجتماعی مورد تأیید قرار گرفتند باید با کانون اصلاح و تربیت، گامی روبه‌جلو در بازپروری اطفال و نوجوانان بپردازند (موذن زادگان، ۱۳۹۷: ص ۷۶). در مراکز اصلاح و تربیت، روش‌های اصلاحی و تربیتی مختلف اعمال می‌گردد. بدیهی است برنامه‌های پرورش و بازپروری حسب درجه انطباق‌پذیری اطفال و حالت روحی و سوابق بزهکاری آن‌ها متفاوت است. طبق ماده ۳۲ مقررات سازمان ملل متحد برای حمایت از کودکان و نوجوانان محروم از آزادی، طرح مراکز نگهداری نوجوانان و محیط فیزیکی باید باهدف بازپروری و با رعایت نیاز نوجوانان منطبق باشد. در همین راستا ماده ۲۵ کنوانسیون حقوق کودک مقرر می‌دارد: «کشورهای عضو حق کودک را که توسط مقامات واجد صلاحیت جهت نگهداری، حمایت، بازپروری یا بازبایی جسمی یا روحی به خانواده یا موسسه‌ای سپرده شده است برای انجام بررسی دوره‌ای درمان ارائه شده برای کودک و کلیه شرایط دیگر مربوط به نگهداری از او به رسمیت می‌شناسند». در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به این مقوله به‌طور مفصل تری پرداخته شده و سعی شده تا نواقص و خلأهای موجود در قوانین گذشته تا حدودی برطرف گردد^۱. طبق ماده ۸۹ درباره نوجوانانی که مرتکب جرم تعزیری می‌شوند و سن آن‌ها در زمان ارتکاب بین ۱۵ تا ۱۸ سال تمام شمسی است، مجازات زیر اجرا می‌شود: نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از ۲ تا ۵ سال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها تعزیر درجه یک تا سه است (بند الف)؛ نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از ۱ تا ۳ سال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها تعزیر درجه چهار است (بند ب) و نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از ۱ ماه تا ۳ سال یا پرداخت جزای نقدی یا انجام خدمات عمومی رایگان در مورد جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها تعزیر درجه پنج است (بند پ) اما در مورد جرائم تعزیری یا مجازات درجه ۶، ۷، ۸ مجازات سالب آزادی برای اطفال و نوجوانان مشخص نشده است. قانون‌گذار فقط در مورد جرائم تعزیری درجه یک تا پنج نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سال، مجازات کانون اصلاح و تربیت را در نظر گرفته است. البته در تبصره ۲ این ماده قضات می‌توانند با توجه به وضع این دسته از بزهکاران و جرم ارتكابی مجازات حبس را تعدیل کنند. باین‌همه در پرتو حقوق کیفری ایران واکنش سزاگرایانه و سلب‌کننده آزادی اطفال و نوجوانان مذکور همواره به‌عنوان یکی از مهم‌ترین پاسخ‌ها تعبیر شده است. بر اساس ماده

^۱ ماده ۸۸-۹۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲



۱۰ قانون میثاق حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۱۳-۴ مقررات پکن دولت‌ها موظف شده‌اند کودکان را از بزرگسالان جدا نگهداری نمایند. این حق در کنوانسیون حقوق کودک نیز ذکر شده است (ابراهیمی و رکیانی، ۱۳۸۹: ص ۸۷). در هنگام بازداشت یا زندانی نمودن اطفال یا نوجوانان باید ضمن تأمین نیازهای انسانی وی جدا از افراد بزرگسال نگهداری شود. الزام به نگهداری جداگانه اطفال با بزرگسالان امروزه از ضروریات رفتار مناسب با اطفال می‌باشد که در اسناد بین‌المللی بدان پرداخته شده است همچنين، از قسمت سوم ماده ۲۶ مقررات پکن نیز به جدا بودن مؤسسات نگهداری نوجوانان از بزرگسالان اشاره شده که مقرر می‌دارد: «نوجوانانی که در مؤسسات هستند از بزرگسالان جدا خواهند بود و در موسسه‌ای جداگانه یا در موسسه بزرگسالان اما در قسمتی مجزا نگهداری خواهند شد». این حق در کنوانسیون حقوق کودک نیز ذکر شده است اما منوط به منفعت عالیه کودک گردیده است، بر همین اساس قسمت اخیر بند پ ماده ۳۷ کنوانسیون حقوق کودک بیان می‌دارد: «کودک محروم از آزادی باید از بزرگسالان جدا شود، مگر آنکه این امر مغایر با منافع عالیه کودک تشخیص داده شود و او حق دارد جز در موارد استثنایی، تماس خود را با خانواده‌اش از طریق مکاتبه و ملاقات حفظ کند». بدین ترتیب اگر منافع کودک اقتضا کند جداسازی انجام نمی‌شود. در بند ۳ ماده ۶۵ از قانون نمونه محافظت از کودکان سال ۲۰۱۳ به تفکیک نگهداری کودکان و نوجوانان با بزرگسالان اشاره دارد که مقرر داشته و تأکید می‌کند؛ کودکان بازداشتی باید جدا از بزرگسالان بازداشتی نگهداری شوند. در نتیجه، ملاحظه می‌شود که سیاست‌گذاران جنایی ایران تحت تأثیر الگوهای جرم‌شناسی بالینی و با پیش‌بینی مقررات متعددی در دو سطح تقنینی و فروتقنینی در زمینه تشکیل قانون اصلاح و تربیت اطفال و نوجوانان بزهکار و لزوم نگهداری آنان در این مراکز، درصدد اصلاح و باز اجتماعی نمودن آنان برآمده‌اند.

۴- تدابیر اصلاحی - تربیتی

در این قسمت تدابیر اصلاحی-تربیتی و درمانی کودکان و نوجوانان محروم از آزادی در قانون و اصلاح و تربیت مورد بررسی و مذاقه قرار خواهد گرفت.

۴-۱- تدابیر آموزش علمی - فنی و حرفه‌ای

آموزش، مهم‌ترین و کلیدی‌ترین اقدام بازپرورانه و توانمند کننده است. مؤسسات نگهداری بزه‌کاران به نقش آموزش‌های اصلاحی از طریق توسعه و تکمیل مهارت‌های علمی و ایجاد مهارت‌های شغلی به‌عنوان وسیله برای برآوردن نیازهای حیاتی، توسعه استانداردهای زندگی و تقلیل نرخ بازگشت بزه‌کاران به زندان و به‌طور کلی جرم‌پی برده‌اند. اولین مبنا برای تبیین لزوم ارائه آموزش‌های



اصلاحی این است که جهل و نادانی و فقدان آموزش دلیل ارتکاب جرم را تشکیل می‌دهد (غلامی، ۱۳۹۳:ص ۲۵۴). در بسیاری دیگر از پژوهش‌های کیفر شناختی نیز بر نقش مؤثر آموزش و پیشگیری تکرار جرم تأکید شده، ضرورت ارتباط میان آموزش و نیاز بزه‌کار و همچنین ارتباط آن با امکان اشتغال در خارج از زندان مورد تصریح قرار گرفته است^۱. مطابق یافته‌های برخی از این پژوهش‌ها، برنامه‌های آموزش علمی و فنی-حرفه ای منجر به توانمندسازی مؤثر بزه‌کاران شده، دسترسی آنان به کار مناسب را فراهم می‌کنند. در این صورت، چنین برنامه‌هایی نه تنها موجب افزایش امکان اشتغال به کار برای زندانیان آزاد شده می‌شوند، بلکه در کاهش نرخ تکرار جرم و بازگشت سرمایه‌گذاری مربوط به آموزش زندانیان نیز مفید و مؤثر می‌باشند^۲. این بخش توسط مربیان حرفه‌وفن اداره شده و آنان کودکان بزه‌کار را در کارگاه‌های وابسته به کانون با حرفه‌های گوناگون آشنا می‌سازند. مربیان آموزش فنی و حرفه‌ای عهده‌دار آموزش حرفه و اداره کارگاه‌های زندان مطابق برنامه‌های پیش‌بینی شده می‌باشند. بنابراین کودکان مزبور به دو شق همکاری تقسیم شده و آن‌هایی که صبح‌ها به کلاس درس می‌روند عصرها به کارگاه رفته و کسانی که صبح‌ها در کارگاه‌ها مشغول آموزش فنی و حرفه‌ای هستند عصرها در کلاس درس حاضر می‌شوند. کودک و نوجوان محروم از آزادی در طی فرآیند تعامل با دیگران یاد می‌گیرند که چگونه هیجان‌های خود را کنترل کنند، چگونه برای خود هدف تعیین کنند و برای رسیدن به آن تلاش نمایند، با افراد موفق از نظر اجتماع آشنا می‌شوند و روند الگوسازی آن‌ها از افراد می‌تواند به نحو مثبتی شکل گیرد. تلاش برای ثبت‌نام و ادامه تحصیل کودکان و نوجوانان در هر مقطعی بعد از آزادی از کانون می‌تواند مانع بسیار مهم در تکرار جرم توسط آن‌ها باشد^۳. برنامه‌های آموزشی کانون اصلاح و تربیت، در دو حوزه تحصیلات علمی و حرفه‌آموزی دنبال می‌شوند؛ برنامه‌های مذکور با توانمندسازی علمی و عملی مددجویان، فرصت‌های مشروع دستیابی به اهداف را در دسترس آن‌ها قرار می‌دهند. ماده ۱۳۶ آئین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی نیز به موضوع آموزش محکومان اشاره داشته و بیان می‌دارد: «به‌منظور سوادآموزی، ارتقاء سطح معلومات و جلوگیری از اتلاف وقت محکومان و همچنین تقویت اراده و پرورش فکر و استعدادها

¹ Austin, j,2001,Prisoner reentry: current trends, practices, and issues. Crime & delinquency, 47(3), 314-334

² Perzybylski, R. 2008, What Works, effective Recidivism reduction and risk-focused prevention programs,a compendium of evidence-based options for preventing new and persistent criminal behavior, division of criminal justice, Colorado department of public safety, USA

³ صلاحی، جاوید، امامی نمینی، محمود، (۱۳۸۹)، پیشین، ص ۱۴۶.



نهفته آن‌ها آموزش می‌بیند». مددجویان کانون اصلاح و تربیت، پس از تشکیل پرونده شخصیت و ورود به قسمت نگهداری، مشمول برنامه‌های کانون می‌شوند. بخش مهمی از برنامه‌های اجرایی متوجه حرفه‌آموزی در قالب کارگاه‌های فنی و حرفه‌ای است. آن‌ها بر مبنای خواست و سلیقه و همچنین با توجه به سطح دانش خود، در یکی از کارگاه‌های حرفه‌آموزی، مشغول می‌شوند.

ماده ۱-۲۲ مقررات پکن مقرر می‌دارد: تحصیلات تخصصی، آموزش ضمن خدمت، دوره‌های بازآموزی و سایر طرق آموزشی در جهت ایجاد و حفظ صلاحیت حرفه‌ای ضروری کلیه کارکنان مرتبط با پرونده‌های نوجوانان بکار گرفته خواهد شد. در نهایت در بند ۶ ماده ۶۵ از قانون نمونه محافظت از کودکان سال ۲۰۱۳ به برنامه‌های آموزشی و فنی حرفه‌ای در کانون اصلاح و تربیت اشاره دارد که مقرر می‌کند: در بازداشت باید برنامه‌های آموزشی و فنی و حرفه‌ای برای کمک به کودک در فائق آمدن بر مشکلاتی که در ارتکاب تخلف توسط او مؤثر بوده‌اند ارائه گردیده و کودکان برای بازگشت به جامعه، زندگی خانوادگی، تحصیل و یا اشتغال بعد از آزادی آماده گردند.

۴-۲- تدابیر درمانی - پزشکی

کانون اصلاح و تربیت متشکل از اداره‌های مختلفی است که اداره بهداشت و درمان از مهم‌ترین آن‌ها می‌باشند. اداره مذکور اقدامات و برنامه‌های خود را از بدو ورود مددجویان به کانون که در قرنطینه به سر می‌برند، آغاز کرده و به‌طور مستمر در طول زمان نگهداری آنان در کانون اصلاح و تربیت، ادامه می‌دهند. با توجه به ماهیت فعالیت اداره مورد بحث، اقدامات متفاوتی از قبیل تشکیل پرونده شخصیت، بررسی وضعیت جسمانی و روانی مددجویان و همچنین درمان آن‌ها در دستور کار ایشان قرار می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، کانون اصلاح و تربیت باید تدابیری در جهت حل معضلات روحی-روانی و اجتماعی مددجویان به کار گیرد. همچنین توجه به مشکلات زیستی و بیماری‌های آنان نیز امری مهم تلقی می‌شود و باید در جهت درمان آن‌ها تلاش نمود (میرکمالی، حسینی، ۱۳۹۴:ص ۱۱۱). بدین ترتیب؛ کودکان مبتلا به بیماری در این قسمت معالجه می‌شوند. در صورت حاد بودن بیماری، کودکان به بیمارستان اعزام می‌گردند. درمان معتادین نوجوان نیز به عهده کانون می‌باشد. در این زمینه مراکز بهداشت و درمان وزارت بهداشت همکاری‌های لازم را با کانون به عمل می‌آورند. مطابق ماده ۱۱۱ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور «بهداری موسسه یا زندان موظف است از محکوم تازه‌وارد معاینه‌های کامل پزشکی به عمل آورده، در صورت لزوم با انجام آزمایش‌های تشخیص طبی برنامه‌ریزی و حسب مورد نسبت به درمان یا معرفی وی به مراکز مربوط اقدام نماید. کلیه اقدام‌های پزشکی باید در پرونده محکوم درج گردد.» در کانون اصلاح و تربیت واحد بهداشت و درمان وجود دارد و مددجویان پس از ورود به



کانون توسط پزشک مورد معاینه قرار می گیرند و چنانچه به بیماری خاص مبتلا باشند یا از دارویی به طور دائم استفاده می کنند بلافاصله بایستی پزشک کانون را مطلع نماید. در طول مدت نگهداری چنانچه مددجویی بیمار شود حق مراجعه به بهداری را در تمام ساعات شبانه روزی با هماهنگی مراقبین خواهد داشت. اگر بیماری مددجو قابل درمان در بهداری محل نگهداری باشد پزشک کانون اقدام به مداوا خواهد نمود. ولی اگر بیماری و یا شکستگی خارج از توان بهداری محل نگهداری باشد و یا اینکه بیمار نیاز به عمل جراحی اورژانسی داشته باشد بعد از انجام هماهنگی های لازم بیمار به بیمارستان خارج از کانون توسط مراقبین انتظامی اعزام خواهد شد. به منظور تسریع در امر پذیرش، اداره کل زندان های استان تهران با برخی از بیمارستان های خارج از زندان ها و کانون های اصلاح و تربیت قرارداد همکاری امضا نموده است. همچنین پزشک بهداری کانون در هر روز سه وعده از وضعیت خوابگاه ها و گروه ها بازدید به عمل می آورد و در طول روز ۲ تا ۳ ساعت به معاینه و مداوای مددجویان در محل خوابگاه آن ها می پردازد. سه روز در طول هر هفته مددجویان توسط ارتوپد، چشم پزشک و دندان پزشک مورد معاینه قرار می گیرند.

از جمله برنامه هایی که برای پیشگیری توسط بهداری کانون انجام می گیرد عبارتند از:

- برنامه های آموزشی فردی و گروهی در قالب کلاس های آموزشی بهداشتی که همه روزه در ساعت معین برگزار می شود؛

- تشکیل کلینیک مثلثی برای آموزش در مورد بیماری های ایدز، بیماری های مراقبتی، اعتیاد، هیپاتیت و غیره؛

- تشکیل کلاس هایی در مورد آثار زیان بار مواد مخدر و کلاس هایی برای کسانی که اعتیاد سنگین به مواد مخدر دارند؛

- آموزش در خصوص حفظ بهداشت عمومی خوابگاه ها و تعویض و شستشوی به موقع پتوها؛

- آموزش در خصوص بیماری های واگیردار و مشکلات بهداشتی که در مراکز پرتجمع زیاد اتفاق می افتد؛

در پاره ای موارد ممکن است ضروری باشد که برخی نقص ها و نارسایی های جسمانی، عصبی یا روانی از طریق مداوا، گاه در محیط باز، گاه در بیمارستان یا در یک مرکز تخصصی معالجه شوند. چنین اقداماتی برای صغار (نگهداری آن ها در یک مرکز پزشکی یا پزشکی - آموزشی مناسب)



وجود دارند. این موضوع در اسناد بین‌المللی نیز به آن اشاره شده است. در ماده ۳۸ اصول راهبردی در مورد عدالت برای اطفال بزه دیده و شهود مصوب ۲۰۰۴ نیز برای ترمیم کودک بزه دیده آمده است: «تا حد امکان، هزینه‌های یکپارچه‌سازی تحصیلی و اجتماعی، معالجات پزشکی، مراقبت‌های سلامت ذهنی و خدمات حقوقی باید ارائه شوند». مراقبت از طریق پزشکی و روانشناسی و خدمات حقوقی و اجتماعی در سند بین‌المللی عدالت کودکان بزه دیده و مشهود جرم مصوب ۲۰۰۹ پیش‌بینی شده است و در سند مذکور مراقبت شخص حامی را نیز در مرحله پس از اجرای حکم به رسمیت شناخته و در ماده ۳۲ مقرر داشته است: «شخص حامی باید کمک و مساعدت را برای کودکان تا زمانی که مساعدت موردنیاز است مهیا کند». درنهایت در ماده ۲۱ قانون نمونه محافظت از کودکان مصوب ۲۰۱۳ نیز کمک‌های پزشکی و روان‌شناختی، اقدامات بازتوانی و استقرار مجدد مورد تأکید واقع است و در بند ۳ ماده یادشده آمده است که: «کودک باید تا زمانی که دوباره به جامعه بازمی‌گردد از کمک‌های مستمر استفاده کند. باید بر اساس نیازهای خاص کودک و نوع ناراحتی تحمل شده، باهدف فراهم کردن زمینه بازگشت موفق کودک به خانواده، جامعه و زندگی اجتماعی تدوین گردند. این اقدامات باید شامل مراقبت‌های پزشکی و روان‌پزشکی و نیز مشاوره تحصیلی و شغلی و آموزش باشد. کودک باید از مشاوره و هدایت مستمر بهره‌مند گردد تا از قربانی شدن دوباره و محرومیت اجتماعی وی جلوگیری به عمل آید».

۴-۳- تدابیر مراقبتی تربیتی

برای اجرای تدابیر و اقدامات اصلاحی و تربیتی و رعایت نظم در انجام وظایف، مراقبت و راهنمایی اطفال و نوجوانان و همچنین جلوگیری از فرار آنان، کانون اصلاح و تربیت با تقسیم‌کار از مراقبین داخلی و خارجی استفاده می‌نماید. در مورد تربیت و اصلاح اطفال و اعمال روش‌های آموزشی، مراقبت انتظامی داخل کانون توسط مراقبین و مددکاران که استخدام و به‌کارگیری آن‌ها دارای شرایط سنی و علمی خاصی می‌باشد، انجام گیرد. حداقل سن ۲۰ سال و میزان سواد دیپلم متوسطه می‌باشد این افراد از چندین سال قبل به همت مرکز آموزشی و پژوهشی سازمان زندان‌های کشور با طی دوره‌های کارآموزی و آموزش حین خدمت ضمن ارتقا تجارب، با آموزش‌های علمی نیز آشنا تر شده‌اند. البته مراقبین باید از نظر اخلاق و سلامت جسمانی و روان دارای صلاحیت بوده و متأهل باشند. در مورد مراقبت خارجی و حفاظت محوطه داخلی کانون اصلاح و تربیت و بدرقه اطفال از افراد پلیس وظیفه و یا کادر استفاده می‌گردد که انتخاب آن‌ها نیز معمولاً با توجه به میزان سواد و سایر شرایط انجام و درعین حال همانند مراقبین داخلی باید دوره آموزش تخصصی و کارآموزی را برای آشنایی با ماهیت و شکل وظایف محوطه طی نماید. با



توضیحات ارائه شده مشخص شد تمامی تدابیر و برنامه‌های اجرایی قانون اصلاح و تربیت، در جهت رشد و تعالی شخصیتی، روحی و جسمانی مددجویان ساماندهی شده‌اند تا از این گذر، به تربیت نوجوانانی هنجارمند و قانون‌گرا همت گماشته و مانع از ارتکاب جرم مجدد توسط آن‌ها شوند؛ همچنین قواعد بین‌المللی موجود در این حوزه نیز بر این موضوعات تأکید دارد؛ بنابراین قانون اصلاح و تربیت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای مسئول در مرحله پاسخگویی به نوجوانان معارض با قانون، مجری اهداف رشدمدارانه نظام عدالت کیفری اطفال است؛ زیرا بنیان نظام مذکور که هدف اصلی و اولیه خود را حمایت و تربیت کودکان و نوجوانان معارض با قانون می‌داند.



نتیجه گیری

امروزه بازپروری بزهکاران به ویژه اطفال و نوجوانان بزهکار با توجه به حساسیت های سنی آنان و خاصه آنکه مهم ترین سرمایه های انسانی جوامع می باشند از موضوعهای اصلی سیاست جنایی شمار زیادی از کشورها به شمار می رود. هدف اصلی در برخورد با جرائم اطفال، علاوه بر اجرای عدالت، بازسازی، تربیت و اصلاح آنان است. از این رو کنوانسیون حقوق کودک مقرر کرده که «در دادرسی کودکان، اتخاذ هر نوع تصمیم از قبیل مواظبت، راهنمایی، نظارت، مشاوره، آزادی با مراقبت، سپردن به خانواده دیگر، اجرای برنامه های آموزش عمومی و حرفه ای و اقدامات دیگر، باید در جهت اصلاح و تربیت، حفظ منافع و منطبق با موقعیت طفل و جرم باشد» (بند ۴ ماده ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک). مهم ترین سند بین المللی در زمینه به کارگیری مجازات های جامعه مدار در قبال کودکان بزه کار، کنوانسیون حقوق کودک است که جنبه الزامی داشته و به موجب آن کشورهای عضو موظفند در مقررات، سیاست ها و رویه های ملی خود از مفاد این سند (از جمله شناسایی کیفی های جامعه مدار برای پاسخ دهی به بزه کاری اطفال) پیروی کنند و زمینه های پیش بینی مجازات های اجتماعی در مقررات ملی را به منظور بسترسازی مناسب برای اصلاح و درمان اطفال بزه کار و پیشگیری از تکرار جرم فراهم کنند. با تصویب قانون مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۲، معرفی اطفال بزه کار به مددکار اجتماعی یا روانشناس، فرستادن آنان به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی، جلوگیری از رفت و آمد به محل های معین، نهادهای پیش دادرسی، نهادهای ارفاقی و مجازات های جایگزین حبس از جمله تدابیر جامعه مداری هستند که به موجب آن می توان اطفال را در بستر جامعه مجازات کرد تا از این رهگذر هم به اطفال بزه کار پاسخ داده شود و هم از پیامدهای زیان بار کیفی های سنتی، مانند حبس اجتناب گردد. بدین ترتیب، پیش بینی این گونه اقدامات در قلمرو سیاست جنایی ایران، سبب می شود که با رویکردی اصلاحی-درمانی به اطفال بزه کار پاسخ داده شود. در نتیجه آنان به گونه ای مناسب تر به سمت بازپروری و عدم گرایش به تکرار جرم، سوق یابند (۹)، زیرا روند جامعه پذیری اطفال بزه کار به دلیل کوتاهی های محیط خانواده، مدرسه و دیگر محیط ها به درستی طی نشده است و باید به جای سرکوب، نسبت به حمایت از آنان و ایجاد بسترهای مناسب به منظور برطرف ساختن خلأهای فرایند جامعه پذیری اقدام شود. به این ترتیب است که در سال های اخیر فرایند برخورد با جرائم اطفال جنبه ترمیمی به خود گرفته است، به گونه ای که بزه کار، بزه دیده و والدین آن ها با نظارت و همراهی قاضی یا شاخص ثالثی از جامعه مدنی تمام تلاش خود را به منظور برقراری سازش میان طرفین و نیز حل و فصل اختلاف ها و تعارض



های ناشی از جرم به کار می‌برند، لذا اقدام قضایی متعارف در مورد بزرگسالان کم رنگ شده و راهبرد شبه قضایی ترمیمی در اولویت قرار گرفته است.



منابع

- ۱- خواجه‌نوری، یاسمن، (۱۳۹۶)، جهانی‌شدن حقوق کیفری اطفال بزهکار، تهران، انتشارات میزان، چاپ اول.
- ۲- عباچی، مریم، (۱۳۸۸)، حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد. چاپ دوم. تهران: نشر مجد.
- ۳- غلامی، حسین، (۱۳۹۵)، کیفرشناسی «کلیات و مبانی پاسخ شناسی جرم»، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ص ۱۹۰
- ۴- غلامی، حسین، (۱۳۹۳)، تکرار جرم بررسی حقوقی-جرم شناختی، تهران، نشر میزان، ص ۵۸
- ۵- غلامی، علی و دیگران، (۱۳۸۸)، تاثیر سیاست جنایی سرکوبگرانه بر نرخ ارتکاب جرایم با نگاهی به سیاست جنایی اسلام، پژوهشنامه حقوق اسلامی دانشگاه امام صادق(ع)، دوره دهم، زمستان، شماره ۳۰.
- ۶- مؤذن زادگان، حسنعلی، غلامی، نبی اله، (۱۳۹۷)، واکاوی تحولات قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص قرارهای تأمین کیفری اطفال و نوجوانان، دو فصلنامه علمی ترویجی فقه و حقوق خانواده، سال بیست و سوم، ش ۶۳. پاییز و زمستان.
- ۷- میرکمالی، علیرضا، حسینی، انیسه، (۱۳۹۴)، کانون اصلاح و تربیت از منظر پیشگیری رشدمدار، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال چهارم.
- ۸- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، هاشم بیگی، حمید، (۱۳۹۷)، دانشنامه جرم‌شناسی، گنج دانش، تهران، چاپ پنجم.
- ۹- نجفی توانا، علی، (۱۳۹۸)، نابهنجاری و بزهکاری اطفال و نوجوانان، تهران، انتشارات میزان، چاپ اول.
- ۱۰- نیازپور، امیرحسین، (۱۳۸۵)، «بازپرووی بزهکاران در مقررات ایران»، فقه و حقوق. (۱۱): ۱۴۴-۱۴۵.



- 11- Austin, j,2001,Prisoner reentry: current trends, practices, and issues. Crime & delinquency, 47(3), 314-334.
- 12- Beigi J, Teymouri M. The Right to Education of Children Deprived of Freedom and the Challenges Facing It in Iran. Tehran: International Conference on the Rights of the Child; 2020.
- 13- Bousat-Pinatel,1963,Traite de droit penal ET la crimionolgy, ED-Dallocc-Paris-P-202.
- 14- Braithwaite J. Restorative Justice. Journal of Legal Research 2006; [Persian]
- 15- Children's Bureau, Determining the best interests of the child, Washington D.C: U.S.Department of Health and Human Services, Child Welfare Information Gateway 2016, P 3,Available at: www.childwelfare.gov.
- 16- Craig, L.A. (2013),What works in offender rehabilitation, Wiley-Black Well, pub. USA, p4.
- 17- Dulacoasta L. European Criminal Policy; an Example of Internationalization of Criminal Penalties at the Regional Level.Translated by Najafi Ebrandabadi AH. In the Proceedings of the Honorable Professor Mohammad.
- 18- Gideon, L. and Sung, H.E. (2011) Rethinking corrections, Sage publication. Los Angels, pp.79-80
- 19- Hemmat M. The Basics and Necessities of Alternative Imprisonment on Children and Adolescents. Quarterly Journal of Private and Criminal Law 2018; 37. [Persian]
- 20- Lawrence R, Hemmens C. Juvenile Justice. Sage Publisher; 2008.[Persian]
- 21- Mc Neill, F (2012), Four of offender rehabilitation: towards an interdisciplinary perspective, legal and criminological psychology, 17,18-36.
- 22- Miano. S. Marie,2013, Toward aChild-Oriented Approach to Reparations: Reflecting on the Rights and Needs of Child Victims of Armed Conflict, RRAXIS the Fletcher journal of Human Security, Volume XXVIII, P.38.



- 23- Niazpour AH. Criminal Law of Children and Adolescents. Tehran: Mizan; 2017. [Persian]
- 24- Tadayyon A. Comparative Pedophilic Penal Law. Tehran: Mizan;2017. [Persian]
- 25- Van Kempen and young, P.H.P.H.MC, W. (2012) Prevention of reoffending, Intersenita, pub, p.14.
- 26- Von Hirsch, A. Achworth. A.and Roberts, j. (2009), Principled sentencing, Hart publishing, USA. P.6.



Researching the deprivation of freedom of delinquent children and teenagers and its evaluation in the criminal justice system

Seyyed Sajjad Razzaghi Mousavi¹

Abstract

The negative sentences of children and adolescents are released in the form of detention in a correctional center. As the title suggests, juveniles in conflict with the law are being held for the purpose of correcting and treating them. Therefore, it is completely in line with the primary and main goals of the criminal justice system for children and adolescents. The main purpose of enforcing enforcement and punishment in dealing with juvenile delinquency is to correct, educate and rehabilitate them, and above all, to try criminal justice measures to rehabilitate and prepare the individual to return to society. Rehabilitation of children and adolescents in conflict with the law is one of the most important issues in the criminal policy of a legal system. It should be considered through extra-legislative, legislative and sub-legislative regulations, according to future-oriented, reformist and education-oriented approaches, its decriminalization, so that on the one hand, children and adolescents are allowed to return to the family environment. And to be a community, and on the other hand, prevented various harms caused by committing crimes against them and the community. In the present article, using the library-documentary method and descriptive analysis, an attempt was made to examine the effects of the rehabilitation system approach with the aim of supporting children and adolescents in the Iranian legal system with emphasis on international documents.

keywords: Children and Adolescents, Correction, Rehabilitation, Correctional Center.

¹ Master of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Sciences, Allameh Tabatabai University. (Corresponding Author)
mousavisajjad98@gmail.com

